روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران: اذان ظهر ۱۲:۱۸ اذان مغرب ۱۷:۵۱ اذان صبح فردا ۵:۳۸ طلوع آفتاب ۷:۰۴

روزنامه شرق

شنبه ● ۱۲ بهمن ۱۳۹۲ ● اول ربیع‌الثانی ۱۴۳۵ ● ۱ فوریه ۲۰۱۴ ● سال یازدهم ● شماره ۱۹۴۲ ● ۱۲صفحه + ۱۶صفحه ضمیمه

۵۰سالگی شورای کتاب کودک با یاد «یحیی مافی»

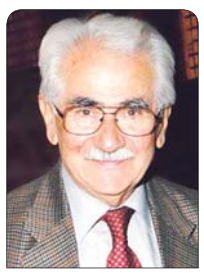

شرق: مراسم بزرگداشت ۵۰سال خدمات فرهنگی شورای کتاب کودک ۱۸ بهمن از ساعت ۹:۳۰ صبح تا ۱۸:۳۰ در تالار اجتماعات روزنامه اطلاعات برگزار می‌شود. در این مراسم یاد و خاطره یحیی مافی، از موسسان شورای کتاب کودک گرامی داشته می‌شود. یحیی مافی متولد سال ۱۳۰۲ در رودبار الموت و همسر معصومه سهراب بود. آنها تجربه‌هایشان را در کتابی با نام «تجربه مدرسه‌داری» مکتوب کرده‌اند. مافی عضو هیات‌مدیره شورای کتاب کودک و نماینده شورای کتاب کودک در شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه کودک و نوجوان بود.

پشت جلد

درد و درد!

کریم ارغنده‌پور

● چندی پیش با دوستی حرف می‌زدیم. سخن به موضوع «درد» کشید. در خلال گفت‌وگو از یکی از مشاهیر یاد کردیم که به آلزایمر (فراموشی) شدید مبتلا شده، به نحوی که خودش، هیچ‌چیز و هیچ‌کس دیگر را نمی‌شناسد. آرزو می‌کرد دیگران -به‌ویژه رسانه‌ها- فرصت دهند چهره اصلی او برای جامعه باقی بماند. به نظرم رسید چنین بیماری‌ای درواقع پایان یک فرد است، اگرچه به‌لحاظ بیولوژیک، نفسی برود و بیاید. مولانا «اندیشه» را «همه» وجود آدمی می‌داند: ای برادر تو همه اندیشه‌ای/ مابقی خود استخوان و ریشه‌ای. یک فرد گرانمایه با وجود ابتلا به آلزایمر، چیزی از ارزشش کاسته نمی‌شود ولی از آن جهت که فراموشی، جوهر آدمی را پنهان می‌کند، حداقل برای نزدیکان و دوستداران بیمار، رویارویی با آن، همراه با دردی عمیق است. وقتی کلید ذهن خاموش شود، «حضور» فرد، فقط پدیده‌ای در ظاهر است. عصر جدید، کارزار بحران‌ها و هجمه‌های پایان‌ناپذیر ذهنی است: افکار متلاطم و ناآرام، تناقض‌ها و ناسازگاری‌های فرساینده، پیچیدگی‌های ویرانگر، دوستی‌های ناپایدار، گسترش بی‌اعتمادی، منافع سیری‌ناپذیر، پراکندگی‌های رشدیابنده، عصیان‌های ساختارشکن، احساس پایش‌های مداوم، فروریزی تکیه‌گاه‌های مقاوم، عدم قطعیت، قیدوشرط‌های بی‌شمار، احساس دوری روزافزون از «معنا» و مفهوم حقیقت، تنهایی، منفردشدن، گسستگی‌ها از منابع، کاهش احساس تعلق، پرسش‌های هویتی، تهدیدهای بی‌ترحم، گسترش ابعاد خشونت و... ممکن است نام همه اینها در تعاریف نورولوژیک، بیماری نباشد ولی در مطالعات اجتماعی و روانشناسی تک‌تک آنها عامل درگیری‌های ذهنی شدید و در نتیجه «مساله» هستند. بسیاری از اینها پدیده‌هایی نوظهورند که با گسترش شهرها و رهاشدن افراد مضطرب در تنهایی‌های جانکاه و ناگزیر، ایجاد شده‌اند. امروزه ناملایمت‌های عصبی به اندازه‌ای همه‌گیر شده که کیفیت زندگی و حس خوشحالی را - چه با نگاه اجتماعی و چه فلسفی- کاملا تحت‌الشعاع خود قرار داده است. بشر برای رفاه و آسایش بیشتر، سبک‌های زندگی و زیست‌بوم جدید آفریده ولی هیچ‌چیز به او احساس آرامش ناشی از سادگی‌های قبل را بازنمی‌گرداند. حتی «فراموشی» هم به معنای آسودن از دردهای زندگی نیست. درواقع فرد مبتلا به آلزایمر تنها یک چیز را فراموش نمی‌کند و آن، احساس مربوط به مکانیسم‌های طبیعی و در راس آنها «درد» است. ممکن است برای او نوع دردها تغییر کند اما اصل درد سر جای خودش هست. درد تنها چیزی است که در هر شرایطی تا پایان زندگی همراه انسان خواهد بود. از این نظر درد، همزاد آدمی است، گویی نشانه‌ای از آدمیت اوست!

دکه

گزارش موسیقی برای «کیوان ساکت»

● صدوسومین شماره ماهنامه گزارش موسیقی ویژه بهمن منتشر شد. موضوع پرونده این شماره به کیوان ساکت، نوازنده تار و آهنگساز اختصاص یافته. از دیگر موضوعات این شماره می‌توان به گزارش پژوهش میدانی موسیقی ناحیه کومش، نقد آلبوم «لمس» اثر مصباح قمصری، مقاله جامعه‌شناختی تاملی بر نسبت شناخت و موسیقی مردمی مردم‌پسند اشاره کرد.

برداشت آخر

سوسن شریعتی، کیانیان، بنی‌اعتماد و احمدی در کنار فعالان مدنی

«آلودگی هوا»، دغدغه جدید روشنفکران

عسل عباسیان

ماجرای آلودگی محیط‌زیست توانسته توجه زیادی را به خود جلب کند و واکنش فعالان مدنی و هنرمندان را به‌دنبال داشته باشد. روز آغازین هفته گذشته که امضاکنندگان فراخوان «بار دیگر سرزمینی که دوست می‌داریم» با خانم ابتکار گرد هم آمدند و بعدازظهر آخرین روز هفته نیز برنامه‌ای دیگر برپا شد، کمتر کسی فکر می‌کرد در مکانی کوچک در خیابان هدایت تقاطع صفی‌علیشاه، در ساختمانی قدیمی که تابلو «آموزشگاه خیاطی» بر سر در آن خودنمایی می‌کرد، این اتفاق بیفتد. شاید اگر عنوان «جامعه زنان انقلاب» نیز در تابلویی کوچک‌تر کنار زنگ ساختمان به چشم نمی‌خورد، باور اینکه دومین نشست مدنی اعتراض به آلودگی هوای این هفته در آن برپاست، مشکل به نظر می‌رسید. محفلی که در آن چهره‌هایی همچون علیرضا نادری، اعظم طالقانی، محمد مالجو، اسماعیل عبدی، سهراب مهدوی، سیما یاری، محمدرضا نیک‌نژاد، سعید دهقان، مهدی بهلولی، هادی کاشانی، مهرداد حجتی، مینو مرتاضی و... حضور داشتند تا برای وضعیت کنونی آب‌وهوا با هم تبادل‌نظر کنند. در ساختمان قدیمی در کنار عمارت متروکه ظهیرالاسلام، نماینده‌های اصناف و تشکل‌های مختلف با برچسب‌هایی با نشان برگ سبز بر سینه‌شان، دور هم جمع شدند تا برای وضعیت نگران‌کننده آب‌وهوا هم‌اندیشی کنند. در ابتدای مراسم «نرگس محمدی» -فعال حقوق بشر- و «مه‌لقا ملاح» مادر نهادهای مدنی محیط‌زیست از اهمیت سلامت محیط‌زیست گفتند. «مرضیه وفامهر» پیامی از «داریوش مهرجویی» خواند که پیش از این در روزنامه «شرق» منتشر شده بود. او در انتهای مراسم یادداشت خودش را هم قرائت کرد. «سوسن شریعتی» نیز پشت تریبون رفت و گفت: «برای من روزگاری غیرقابل تصور بود که قرار باشد یک‌روز درباره لزوم وجود هوای پاک صحبت کنم. هوای پاک قاعدتا برای بقا ضروری است. روزگاری نسل ما و پیش از ما مساله اصلی‌اش چگونه زنده‌بودن بود و نه زنده‌بودن و به راهش طوری نگاه می‌کرد که می‌توانست برای آن بمیرد. امروز اما موضوع بقاست، بقا به هر قیمتی، کمی طولانی‌تر، کمی بیشتر با کیفیت بهتر و این جالب است. می‌توان اینگونه نگریست که آیا این یک چرخش گفتمانی است؟ به‌هرحال این دغدغه برای ما جدید است.» «مژگان جمشیدی» روزنامه‌نگار و فعال محیط‌زیست، «سیدمهدی حجتی» -حقوقدان، «امین نظری» رییس کمیته حقوق بشر دفتر تحکیم وحدت و «مهدیه گلرو» فعال دانشجویی از دیگر سخنرانان این برنامه بودند. «رضا کیانیان» که پیش‌تر هم اعتراض خود را نسبت به وضعیت کنونی اعلام کرده بود، راهکاری برای خروج از این وضعیت ارائه کرد: «هر صنفی باید با توجه به منافع صنفی خودش در حل این موضوع شریک شود. اگر این همه صنف شروع به نقد کنند، قدرتی تشکیل می‌شود و تشکل معنا پیدا می‌کند. تشکلِ «همه با هم» معنی ندارد.»

پیام «بابک احمدی» -مولف و مترجم- هم خوانده شد: «همه گناهکاریم. از دولتی که بنزین نامرغوب و سمی تهیه کرده و ملتی که دخالت در کار دولت را بیهوده دانسته و دولتمردانی که این دخالت را نخواسته‌اند. آنها مقصرند که هرروز در سواری تک‌سرنشین راهی خیابان‌ها و بزرگراه‌ها می‌شوند و نمی‌دانند وسیله‌نقلیه‌عمومی یعنی چه و نمی‌دانند بهای بلیت اتوبوس و مترو چقدر است. مقصریم که نه زندگی را جدی گرفته‌ایم و نه هشدار مرگ را.» در پایان مراسم «رخشان بنی‌اعتماد» که ابتدا قصد نداشت صحبت کند، پشت تریبون رفت و چنین گفت: «سال‌ها پیش درباره شرایط تهران فیلم ساختم اما مسوولان به هشدارها بی‌توجهی کردند و نتیجه‌اش شده این وضعیت اسفبار که زندگی‌کردن در این شرایط را برای ما دشوار کرده است.»

در ادامه نمایندگان سایر اصناف نیز درباره برنامه‌های صنف خودشان برای بهبود وضعیت موجود، حرف زدند و پایان‌بخش برنامه خواندن قطعنامه‌ای در اعتراض به آلودگی بود: «ما فعالان مدنی طی این نشست نگرانی عمیق خود را در مورد آلودگی هوا و تبعات جبران‌ناپذیر آن اعلام می‌کنیم و از ریاست محترم جمهوری، مجلس، شهرداری‌ها و تمام مسوولان بلندپایه نظام و کشور می‌خواهیم تا مساله پیشگیری و مقابله با آلودگی هوا را در اولویت تمامی برنامه‌های قوای سه‌گانه، نهادها و سازمان‌های خود قرار دهند و با تخصیص بودجه، زمان و نیروی لازم و کافی، اقدامات قاطع و عاجل جهت رفع و مهار آن نمایند و صریح و روشن با مردم سخن بگویند و از پنهان‌کردن و خلاف واقع جلوه دادن این حقیقت به مردم بپرهیزند. از رییس‌جمهور محترم می‌خواهیم تا با ایجاد همکاری کامل تمام وزارتخانه‌ها با سازمان محیط‌زیست و با اولویت‌دادن به رفع این مشکل در اتخاذ سیاست‌های خارجی و دیپلماتیک و داخلی برای نجات شهروندان از این فاجعه جبران‌ناپذیر با جدیت و مسوولانه همت گمارند.»

قلم‌انداز

خوش‌باش‌های زندگی

سیروس ابراهیم‌زاده

چه صحرا و چه گلشن. چه تاریک چه روشن. جهان جمله فریباست. چه زیباست! چه زیباست! خوش‌باش و میندیش ز فردا- که امروز همان زاده دیروز و خود آن مادر فرداست! به‌به! چه فریباست! بنگر که چه‌سان پنجره صبح به دریاست. خورشید پس معرکه پیداست. چه زیباست... گر خرج دوا- نان زن و بچه نداری. گر خانه و کاشانه به‌جز کوچه نداری- خوش باش که اینها همگی جیفه دنیاست. اینها همگی ساخته ذهن تو و حاصل رویاست و رویا همه زیباست. جهان جمله فریباست و خورشید پس معرکه پیداست. چه زیباست! اگر کودک دلبند تو بازیچه ندارد- گر همسر تو جز تب و سرگیجه ندارد... خوش باش و بدان سهم تو رویاست (جایی که همه عیش مهیاست). رویا همه زیباست. جهان جمله فریباست! تا چند خوری غصه این چون و چرا را؟ این بیش‌وکم زندگی بی‌سروپا را؟ گویند که این بیش‌وکم و خردوکلان‌ها همه پرداخته ظن خود ماست و تفسیر تو- تعبیر تو- تردید تو بیجاست... برخیز و ببین چشم تماشا بگشا... بنگر که یکی معرکه برپاست و خورشید چه زیباست! رویش ز پس معرکه پیداست. چه زیباست خدایا!

محسن ظریفیان
aghamimagha@yahoo.com

کارتون خواب

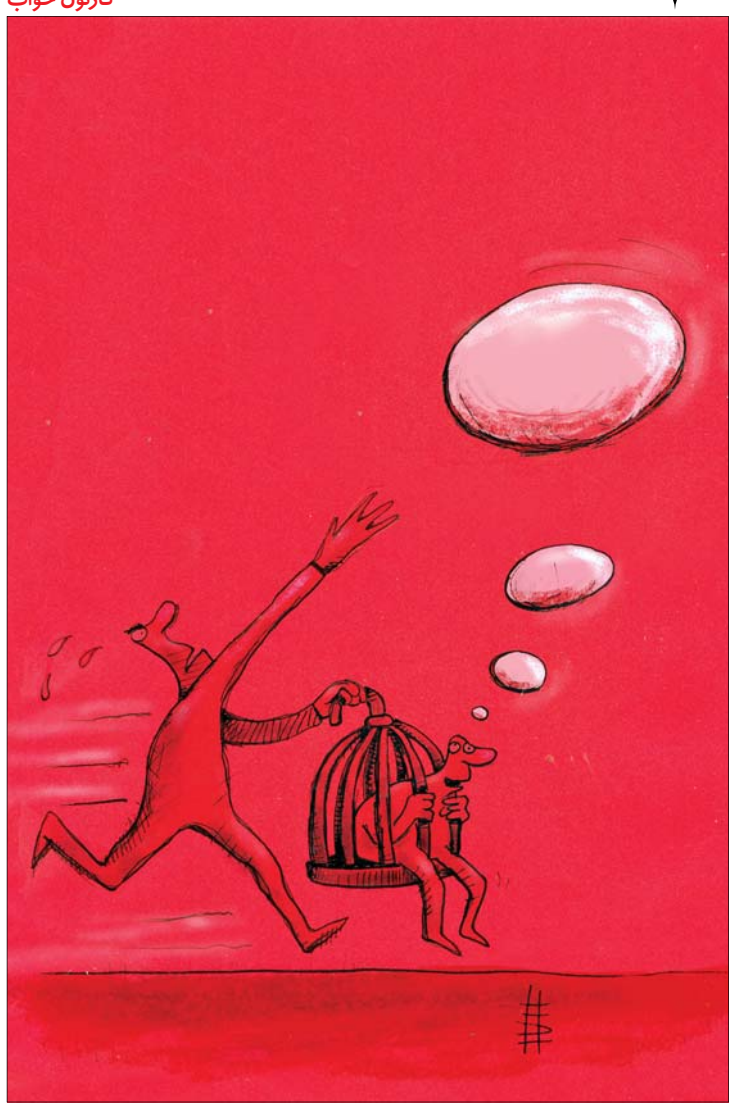

از هرنظر بی‌ضرر

سازمان میراث سیاستمداران و گشت‌وگذار آقازادگان

● **پوریا عالمی:** آریایی‌های اصل و ایرانی‌های اصیل، از ما خواستند درباره محمدعلی نجفی که استعفا کرد و مسعود سلطانی‌فر که استبقا شد، بنویسیم.

به نظر ما اصلا «سازمان میراث فرهنگی و گردشگری» شوخی است و محلی از اعراب و تنوین ندارد. مثلا خود نجفی می‌خواست میراث فرهنگی را مدیریت کند، منتها نمی‌دانست چی را چطور و کجا باید مدیریت کند، چون دوماه دنبال میراث می‌گشت، می‌دید میراثی به‌جا نگذاشته‌اند. حالا سلطانی‌فر چی؟ در سابقه میراث فرهنگی سلطانی‌فر یک عکس یادگاری با گنبد سلطانیه دیده می‌شود. همین است دیگر، کسی کاری به کار میراث فرهنگی ندارد. تنها کسی که واقعا توی کار ایران بود و بدجوری هم توی کار ایران گذاشته بود، اسفندیار رحیم‌مشایی بود. به نظر ما میراث فرهنگی را باید تغییر نام داد. چون میراثی به‌جا نمانده و هرچی هم مانده یا مسوولان از بین بردند، یا مردم روش یادگاری نوشتند، یا دلاوران تغییر کاربری‌اش دادند و جاش برج و فرودگاه بین‌المللی ساختند. پس ثابت کردیم چیزی نمانده. اما الان سیاستمداران ما پهلوبه‌پهلوی آثار باستانی ما دارند حرکت می‌کنند. میانگین سن دولت‌ها و مجلس‌ها همیشه از میانگین سن پدربزرگ‌های ما، نهایتا دو سال کمتر است و البته این را جوان‌گرایی می‌گویند. برای همین ما پیشنهاد می‌دهیم سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به «سازمان میراث سیاستمداران و گشت‌وگذار آقازادگان» تغییر نام دهد و خلاص.

به نظر ما باید کار را یکسره، اگر همین چهارتا بنای تاریخی که لق‌ولق ایستاده و به امان خدا رها شده، مثل تخت‌جمشید و آرامگاه کوروش و گنبد سلطانیه و منارجنبان و... با بولدوزر صاف‌شان کنیم و جاش برج و مرکز خرید (سهامی خاص) بسازیم، دیگر خیال همه راحت می‌شود. مثل همان کاری که با دریای خزر کردیم و فقط هفت، هشت درصدش را نگه داشتیم یا مثل کاری که با دریاچه ارومیه کردیم و فقط نمکش را نگه داشتیم. یعنی اصولا ساربان با بارش رفته، میخ افسار شتر مانده و تمام.

BAHAR MBA
BAHAR DBA

وزارت علوم تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی آزاد بهار

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم تحقیقات و فناوری

دانشگاه جامع علمی-کاربردی

اطلاعیه پذیرش دانش پژوه

در راستای گسترش آموزش عالی آزاد و تربیت نیروی انسانی ماهر برای اداره سازمانهای اقتصادی، اجتماعی، تولیدی و خدماتی، موسسه آموزش عالی آزاد بهار با استناد به مجوز رسمی شماره ۲۴/۲۳۴ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و شماره مجوز ۹۲/۱۶۹۶۵/م از دانشگاه جامع علمی کاربردی اقدام به برگزاری دوره عالی آزاد مدیریت MBA در گرایش های (بازاریابی، استراتژیک، مالی، مدیریت پروژه، منابع انسانی، اجرایی، شهری، IT) و دوره عالی مدیریت کسب وکار DBA نموده است

DBA ۱۳مین دوره
مدیر گروه DBA
پروفسور سید مهدی الوانی

MBA ۶۱مین دوره
مدیر دپارتمان MBA
دکتر رحیم فرضی پور

مدیر گروه های بهار

مدیر گروه سرمایه گذاری و بورس دکتر رضا تهرانی
مدیر گروه بازاریابی دکتر محمد باوریان تهرانی
مدیر گروه منابع انسانی دکتر سعید شهبازمرادی
مدیر گروه آینده پژوهی دکتر سعید خزایی
مدیر گروه مدیریت شهری دکتر رحمت اله فرهودی
مدیر گروه مدیریت استراتژیک دکتر محمد خطیبی
مدیر گروه مدیریت اجرایی مهندس محمدرضا شعبانعلی
مدیر گروه مدیریت پروژه دکتر سیامک حاجی یخچالی

Bahar Business School
RATED THE BEST
PROFESSIONAL MBA BRAND IN IRAN
برند بهار برند برتر آموزش MBA در ایران

دریافت لوح افتخار
برترین برند آموزش MBA در ایران

اولین مرکز تخصصی MBA و DBA در ایران

دوره های ویژه سازمانی (مطابق نیاز و درخواست سازمان ها)

دوره های MBA و DBA ویژه مدیران ساکن شهرستان ها (۲ روز در ماه)

اعطای نمایندگی جذب و پذیرش

www.bahar.ac.ir

جهت کسب اطلاعات بیشتر و انجام امور ثبت نام با شماره تلفن ۸۸۷۳۰۱۸۴ (خط ویژه)
تماس حاصل فرموده و یا به آدرس تهران، خیابان بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوم، پلاک ۲۷ مراجعه فرمایید

سفر به بهشت پرندگان ایران (میانکاله)

گروه فرهنگی گردشگری تاچ
۱۷و۱۸ بهمن

کلیه وعده های غذایی
اقامت در خانه محلی
برنامه های مهیج و مفرح

عباس آباد بهشهر
پرنده نگری میانکاله
روستای ۷۰۰۰ ساله گوهرتپه

۸۸۱۷۴۵۸۷-۸۸۵۱۲۴۹۹-۰۹۳۵۹۸۲۶۰۴۵

با چکه های سفید حافظ محیط زیست ایرانیم